

روزگار

شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۹۸

<div><div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div> </div> </div></div></div></div><div><div> FARHIKHTEGANDAILY.COM </div></div></div>
<div><div><div><div> </div> </div></div></div> <div><div><div><div><div></div></div></div><div><div> </div> </div></div></div>

FARHIKHTEGANONLINE



میلاد جلیل‌زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

تقریباً همه دنیا این را فهمیده‌اند که ماهیت امنیتی رژیم اسرائیل با ترور پیوند خورده است. این قضیه هم مربوط می‌شود به قتل غافلگیرانه رهبران مقاومت یا حتی مقامات دیگر کشورها و نسق گرفتن وحشیانه و غمبار از مردمی که پشت رهبران مقاومت را خالی نمی‌کنند. رژیم اسرائیل از روز اعلام موجودیتش تا به حال هیچ‌وقت در افکار عمومی جهان یک رژیم عادی و نرمال نبود اما امواج منفی علیه آن گاهی ارتفاع و شتاب بیشتری می‌گرفت و گاهی کم‌دامنه‌تر می‌شد. اخیراً و پس از طوفان الاقصی نگاه‌های منفی به رفتار این رژیم و حمایت دولت‌های غربی از آن به شدت بالاگرفت و وارد فضاهای بی‌سابقه‌ای شد که قابل پیش‌بینی نبودند. از هاروارد تا هالیوود اعتراض‌های گسترده‌ای علیه جنایت رژیم صهیونیستی در خود آمریکا به وجود آمد و خیابان‌ها در بسیاری از کشورهای غربی صحنه اعتراض مردمی بود که این جنایات آشکار را تاب نیاورده بودند. از تظاهرات هفتگی سریالی انگلستان تا اعتراضاتی که به حضور اسرائیل در المپیک ۲۰۲۴ پاریس شد و حتی سلسله اعتراضات سرکوب شده در کشور آلمان، همه چیز به‌وضوح نشان می‌داد که وضعیت فرق کرده و استعداد رسانه جهان غرب و تمام رسانه‌های موسوم به جریان اصلی نتوانستند مأموریت‌شان را در نمایش دل‌بخواه و جهت‌دار از رویدادها با موفقیت انجام بدهند. اساساً این رسانه‌ها در دوران جنگ سرد قالب‌گیری شده‌اند و با همان دست فرمان در روزگار فعلی هم فعالیت می‌کنند که چندان کارساز نیست. برای همین است که مطابق نظرسنجی‌ها مثلاً در خود ایالات متحده اکثریت افراد زیر ۵۰ سال مخالف اسرائیل هستند و افراد بالای ۵۰ سال که تربیت یافتگان دوران جنگ سرد به حساب می‌آیند، غالباً هوادار اسرائیل هستند. وقتی قضیه به توجیه چنین تورهایی در قالب سینما و تلویزیون می‌رسد، همچنان همین جا ماندن جریان رسانه غرب و البته خود اسرائیلی‌ها در دوران جنگ سرد را می‌توان دید. اسرائیلی‌ها با انجام یک سری ترورها و آدم‌ربایی‌ها که مربوط به تسویه حساب‌هایی درخصوص

بررسی سبک و سیاق خون‌شویی صهیونیست‌ها در صنعت فیلم و سریال

سینما ترور

جنگ جهانی دوم می‌شد، این جریان را آغاز کردند که برایش آیشمن از آرژانتین، آوردن او به سرزمین‌های اشغالی و محاکمه و اعدامش مربوط به همان دوره است. چیزی که در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها می‌توان بازنمایی‌اش را دید و فیلم «عملیات نهایی» The Debt محصول سال ۲۰۱۸ از آخرین موارد آن است. فیلم «بدهی» Operation Finale محصول سال ۲۰۱۸ که شروع ماجراهایش مربوط به سال ۱۹۶۵ می‌شود، درباره دو عملیات تسویه حساب با دو پزشک شاغل در اردوگاه‌های حزب‌نازی است. اما با همین دست‌فرمان درباره فرماندهان مقاومت در فلسطین، لبنان، سوریه یا یمن و ایران نمی‌شود فیلم ساخت و انتظار داشت که همان نتیجه‌ها حاصل شوند؛ چراکه اصل ماجرا با ماجرای حزب‌نازی فرق دارد و انتقام از کسی که برای رهایی سرزمینش می‌جنگد، به اندازه انتقام از یک عضو حزب‌نازی قابلیت اقتاع افکار عمومی را ندارد. درباره ترورهای اسرائیل که مربوط به فرماندهان مقاومت می‌شود تا به حال چندین فیلم و سریال ساخته شده که عمده آنها محصول آمریکا هستند؛ چه اینکه تعدادی از این اقدامات، به صورت علنی عملیات مشترک بین آمریکا و اسرائیل بودند اما هیچ‌کدام از آنها جزء فیلم‌ها و سریال‌های ماندگار تاریخ سینما نشدند، چون هر قدر هم که فرم کار و مهارت‌های بیانی در بهترین‌وجه خود به کار گرفته شوند، وقتی این مهارت‌ها برای توجیه محتوایی به کار گرفته شوند که با باورها و تجربه‌های عینی مخاطبان‌شان تناقض آشکار دارد، کسی به آن اثر دل نمی‌سپارد. البته این به آن معنا نیست که این آثار از لحاظ فرم و مهارت‌های بیانی در بهترین‌وجه خود تولید شده‌اند. تعداد فیلم‌ها و سریال‌های جاسوسی اسرائیلی یا مواردی که آنها به کمک آمریکایی‌ها ساخته‌اند بسیار زیاد است اما اگر به چند نمونه از مواردی که به رویارویی سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل یا آمریکا با نیروهای مقاومت مربوط می‌شود توجه کنیم، خواهیم دید که آنها در این خصوص کار راحتی نداشته و چندان به موفقیت خاصی در باورپذیر کردن حقانیت رفتارشان دست نیافته‌اند. در ادامه به چهار نمونه از این فیلم‌ها یا سریال‌ها اشاره می‌شود که درباره ترور چهره‌های مقاومت یا عملیات‌های غیرقانونی اسرائیل در دیگر کشورها ساخته شده‌اند.

۴ فیلم درباره تجاوز به اوگاندا

جان باختند. در دهه ۷۰ سه اثر نمایشی براساس این رویداد ساخته شد و چهارمین فیلم در سال ۲۰۱۸ منتشر شد. فیلم تلویزیونی «پیروزی در انتبه» Victory at Entebbe که توسط ABC ساخته و در دسامبر ۱۹۷۶ پخش شد، اولین محصول بود. «حمله به انتبه» Raid on Entebbe یک فیلم تلویزیونی دیگر از NBC محصول سال ۱۹۷۷ به کارگردانی اروین کرشنر، محصول دوم بود و «عملیات صاعقه» تولید شده در ۱۹۷۷ که تولید خود اسرائیل است، سومین فیلم بود. چهارمین فیلم با عنوان «۷ روز در انتبه» Days in Entebbe V که محصول ایالات متحده است، چند دهه بعد در سال ۲۰۱۸ اکران شد.

دخترکوچولوی درامر

«دختر کوچولوی درامر» The Little Drummer Girl یک فیلم درام جاسوسی آمریکایی محصول ۱۹۸۲ به کارگردانی جورج روی هیل است که با اقتباس از رمانی به همین نام در سال ۱۹۸۳ نوشته جان لوکاره ساخته شده است. داستان این فیلم در اروپا و خاورمیانه می‌گذرد و درباره دنبال تلاش مخفیانه موساد برای یافتن فلسطینیان مبارز و کشتن آنهاست. چارلی که یک بازیگر آمریکایی ضدصهیونیستی است و در لندن کار می‌کند، به بهانه فیلمبرداری یک آگهی تبلیغاتی شراب، به یونان کشیده شده و در یک برنامه مدون به تور اسرائیلی‌ها می‌افتد. در انتهای فیلم، چارلی در یک بیمارستان اسرائیلی دیده می‌شود درحالی‌که از نظر جسمی

کیدون 2013 Kidon

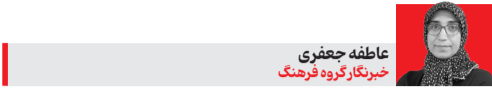
کیدون یک فیلم کمدی اکشن جاسوسی فرانسوی–اسرائیلی محصول ۲۰۱۳ است که درباره تلاش‌های موساد برای کشف اینکه چه کسی محمود عبدالرووف المبحوح، فرمانده ارشد نظامی حماس را در سال ۲۰۱۰ کشته، ساخته شده است. چهار قاتل در اتاق هتل المبحوح منتظر بازگشت او از یک جلسه کاری بودند. رئیس پلیس دبی گفت که ۹۹ درصد (اگر نه ۱۰۰ درصد) مطمئن است که موساد پشت این قتل بوده است. جزئیات ترور – معروف به عملیات پلاسمااسکرین – به آرامی و باتکه‌های متنوع اطلاعات درزکرده کشف شد و سناریوی کار توسط اماتوئل ناکاش Emmanuel

ارواح بیروت Ghosts of Beirut

«اشباح» یا «ارواح بیروت» یک مجموعه تلویزیونی اکشن–درام اسرائیلی–آمریکایی است که پخش آن در ماه می ۲۰۲۳ از کانال Yes و شبکه Showtime آغاز شد. این سریال به ماجرای ترور عماد مغنیه، یکی از فرماندهان مقاومت لبنان به دست سرویس‌های اطلاعاتی موساد و سیا می‌پردازد و هشام سلیمان، نقش شهید مغنیه را بازی کرده است. در یکی از بخش‌های این سریال تصویری از سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس هم نشان داده می‌شود که باعث شد نام اشباح بیروت بین ایرانی‌ها شنیده شود. عماد مغنیه معروف به حاج رضوان، بنیانگذار یگان نظامی حزب‌الله لبنان و از فرماندهان جنگ ۳۳ روزه بود. او در

نگاهی به ۲ کتاب درخصوص ترورهای اسرائیل

اعتراف‌نامه



عاطفه حفصی

خبرنگار گروه فرهنگ

اگر بخواهیم از اسرائیل و تروهایش بگویم، کتاب‌های زیادی پیش‌رو قرار می‌گیرد اما مهم‌ترین کتاب را باید «توزدتر بکش» دانست. این کتاب نوشته روین برگمن، خبرنگار اسرائیلی است که روایتگر نیروهای عملیاتی و اطلاعاتی اسرائیل از ۶۰ سال ترورهای موساد است. او برای نگارش این کتاب با هزاران چهره سیاسی و مأموران مخفی مصاحبه و از هزاران سند استفاده کرده است. عنوان فرعی این کتاب چنین است: «روایت نیروهای عملیاتی و اطلاعاتی اسرائیل از ۶۰ سال ترورهای موساد از ترور مبارزان فلسطینی تا ترور عماد مغنیه و دانشمندان هسته‌ای و موشکی ایران». روین برگمن در این کتاب از طرفی به ضعف‌ها و ترس‌های تاریخی اسرائیل معترف است و از طرفی دیگر، دستور مخوف و وحشتناکی را برای مخاطب تصویر می‌کند که کوچک‌ترین تردیدی در حذف دشمنان خود ندارد و به راحتی آدم می‌کشد. عنوان کتاب هم ناظر به یکی از آیه‌های «تلمود» است با این مضمون که اگر کسی قصد کشتنت را داشت، تو بریزی و اول او را بکشی!

یک نکته مهم که نباید از آن غافل شد این است که نویسنده خودش را از اسرائیل جدا نمی‌داند. وحید خضاب که ترجمه این کتاب را انجام داده در مورد این اثر معتقد است نویسنده کتاب و همه وراویانش از صمیم قلب به حقانیت اسرائیل و ضرورت استمرار حیاتش ایمان دارند. اما به‌رحال اسرائیلی‌ها هم از درون، اختلافاتی با هم دارند و به‌عنوان مثال درباره لزوم کشتن یک هدف یا دیر و زود حذف‌کردنش عدم تفاهم داشته و دارند. ارزش این کتاب برای مطالعه، در اینجاست که پس از سال‌ها مخفی‌کاری منتشر شده و همان‌طور که روین برگمن هم می‌گوید رسانه‌های اسرائیل موظف هستند هرچا در مطالب‌شان از فعالیت‌های مخفی منتسب به دستگاه‌های اطلاعاتی صهیونیست‌ها و به‌ویژه ترورهای هدفمند یاد می‌کنند، عبارت «به ادعای منابع خارجی» را قید کنند. برگمن در مقدمه، کنایه جالبی دارد و وقتی درباره سختی‌های دسترسی به اطلاعات و موضوعات محرمانه جاسوسی‌های اسرائیل صحبت می‌کند، می‌گوید پیگیری‌هایش باعث اصلاح قانون محرمانه ماندن و عدم انتشار اسناد اسرائیل شده و به موجب این اصلاح در قانون، محرمانه ماندن از ۵۰ سال به ۷۰ سال رسیده است: «یعنی طولانی‌تر از تاریخ خود کشور!» (صفحه ۲۰) او با این کنایه به جعلی بودن این رژیم اعتراف می‌کند.

یکی از بخش‌های این کتاب به ترور اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۸۲ و نقشه‌ای که برای کشتن خلیل الوزیر (ابوجهاد) فرمانده نظامی سازمان آزادی‌بخش فلسطین و نفر دوم پس از عرفات در این سازمان کشیدند، برمی‌گردد. آنها چندین بار برای ترور در عمان پایتخت اردن برنامه تهیه کرده بودند ولی اجرای آن به تعویق افتاده بود و به جای آن، عملیات‌هایی با هدف زدن زبردستان ابوجهاد طراحی و اجرا شدند. در کتاب درباره این ترور نوشته شده است: «از زمان فاجعه لیلهامر، سزاریه به‌شدت مشغول بازسازی بایوت به عنوان واحد قتل‌های هدفمندش بود. نیروهای مهم بایوت حالا از واحد‌های رزمی IDF انتخاب می‌شدند. در این دوره، بایوت جدید تحت ریاست فردی با نام مستعار کارلوس قرار داشت که خودش قتل‌ها را روشمند و حساب‌شده با خونسردی تمام انجام می‌داد. آگوست سال ۱۹۸۳ (مرداد ۱۳۶۲) ابوجهاد، معاون فرمانده واحد دریایی خود مامون مزیش را به یونان فرستاد که یک کشتی و مقداری سلاح خریداری کند. کارلوس سوار بر ترک یک موتورسیکلت، مریش را در خیابان‌های آتن ترور کرد و آن قدر به او تیر زد که مطمئن شد مرده است. همه این اتفاقات درست جلوی چشم سه بچه چهار، ۹ و ۱۳ ساله مریش اتفاق افتاد که از شدت وحشت داشتند شیخ می‌کشیدند. این ترورها را اگر به سال‌های اخیر محدود نکنیم، دامنه‌اش به جنگ جهانی‌ها هم می‌رسد. در این کتاب اشاره شده در طول جنگ جهانی دوم، یک تیپ معروف به نام «تیپ یهودی» در ارتش انگلستان همراه بریتانیایی‌ها خدمت می‌کرد که بلافاصله پس از پایان جنگ، دستور تشکیل یک واحد ویژه در درون این تیپ توسط رهبران ارشد سازمان هاگانا صادر شد. این واحد، «گمول» (غرامت) نام داشت که بنا بود از نیروهای زده‌بالای آلمانی انتقام بگیرد. واحد گمول تنها طی سه ماه، از می تا جولای، حدود ۳۰۰ نفر را به قتل رساند که تاریخ‌نگاران اسرائیلی گفته‌اند به دلیل روش‌های ناکارآمد تعیین هویت هدف‌ها، خیلی از قربانی‌هایش بی‌گناه بودند و در خیلی از موارد فعالیت‌هایش، انتقام‌گیری‌های شخصی انجام شد. درنتیجه وقتی بریتانیایی‌ها با شکایت‌هایی مبنی بر ناپدیدشدن افراد خانواده‌های آلمانی رویه‌رو شدند، متوجه فعالیت‌های گمول شدند و فرماندهی هاگانا، دستور توقف عملیات‌های این‌واحد انتقام‌جو را صادر کرد.»

یکی از بخش‌های این کتاب درخصوص انتصاب محمد ضیف است، کسی که این روزها زیاد اسمش را می‌شنویم و اسرائیلی‌ها می‌گویند در انفجار چند هفته پیش او را از بین برده‌اند اما حماس آن را تأیید نکرد و حتی در سخنرانی روز پنجشنبه سید حسن نصرالله وقتی اسم محمد ضیف را آورد از کلمه حَقِیْقَه‌الله استفاده کرد. در این کتاب نویسنده می‌نویسد: «در نوامبر ۱۹۹۳ (آبان ۱۳۷۲) محمد ضیف به ریاست عملیات حماس در داخل باریکه غزه منصوب شد. روزی که پیکر یحیی عیاش به خاک سپرده شد، ضیف فرمانده گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) شد و یک ماه بعد شروع به انتقام‌گیری از اسرائیل کرد. ۲۵ فوریه ۱۹۹۶ (۶ اسفند ۱۳۷۴) یک بمب‌گذار انتحاری، کمربند خود را

داخل اتوبوسی در اورشلیم منفجر کرد و ۲۶ نفر را کشت. همان روز یک عملیات شهادت طلبانه دیگر انجام شد که طی آن یک سرباز کشته و ۳۶ سرباز دیگر زخمی شدند. یک هفته بعد هم در صبح روز ۳ مارس (۱۳ اسفند) یک حمله انتحاری دیگر در اتوبوسی در اورشلیم انجام شد که باعث کشته‌شدن ۱۹ تن و زخمی‌شدن ۸ تن شد. روز ۴ مارس هم یک نیروی دیگر فلسطینی نزدیک صف خودپرداز مرکز خرید شلوغ دین‌گوف در مرکز تل‌آویو، بمب خود را منفجر و ۱۳ تن را کشت و بیش از ۱۰۰ تن را مجروح کرد. این اتفاقات باعث شد شیومن پرز برقه قوزم محمد ضیف را امضا کند. اما او زنده ماند.»

یکی از بخش‌های این کتاب اشاره‌ای دارد به دهه ۵۰ ایران و نگاهی که این رژیم جعلی به شاه ایران داشته است. برگمن در این کتاب، محمدرضا پهلوی را این‌گونه معرفی می‌کند: «شاه، حاکم مطلق ایران و سلطان مستبد، بی‌رحم و وسواسی نسبت به خود بود.» (صفحه ۱۷۵) به این مساله اشاره دارد که شاه، یک روند شتاب‌زده غربی‌سازی را به مردم زبردست خود تحمیل می‌کرد. برگمن از سازمان ساواک هم با عنوان «سرویس اطلاعاتی وحشی شاه» یاد کرده است. او بعد از این تعاریف، به یک روز پس از فرار شاه می‌رسد و می‌گوید شاپور بختیار نخست‌وزیر وقت در ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۷ دی ۱۳۵۷) سراخ‌الیعذر سافریر، رئیس جدید ایستگاه موساد در تهران رفت و خواست امام خمینی (ره) را در حومه پاریس ترور کنند. به این ترتیب بیت‌زحاک حوفی، رئیس موساد کارکنان ارشدش را برای یک جلسه فوری به مقر موساد در خیابان شاه طاولت تل‌آویو فراخواند. پایان جلسه به این حکم منتهی شد که سافریر به بختیار پاسخ منفی داد.

بخشی دیگر از کتاب به نحوه شهادت شهید عماد مغنیه اشاره دارد و برگمن می‌گوید: «مغنیه بافاصله کمی از تأسیس حزب‌الله تبدیل به یکی از مهم‌ترین نیروهای این سازمان و کابوس اسرائیلی‌ها شد. مغنیه در کنار مختشمی‌پور، سازمان جهاد اسلامی را تأسیس کرد و همین سازمان بود که احمد جعفر قصیر را به عضویت خود آورد.» وحید خضاب در جایی از کتاب تذکر می‌دهد، روین برگمن به جای تلاش برای درک واقعی انگیزه‌های ایمانی عملیات‌های استشهادهی نیروهای حزب‌الله، سعی کرده در نوشته‌های خود این عملیات‌ها را به سطح مغزشوبی تقلیل دهد. اما با این حال یک نکته مهم را که برگمن ذکر کرده نباید از نظر دور داشت. او می‌گوید حزب‌الله با اجرای عملیات‌های انتحاری در لبنان این روش را به چیزی از قبیل یک هنر تبدیل کرد و باید توجه داشته باشیم اسرائیل و آمریکا چندسال بعد با تأسیس داعش و ترویج بی‌رویه عملیات‌های تروریستی و انفجارهای انتحاری این مرد مغزمنظما، شیوه مبارزه شهادت طلبانه را لوث کردند.

روایت شهادت مغنیه در کتاب عملیات‌های بزرگ موساد

«عملیات‌های بزرگ موساد» کتاب دیگری است که انتشارات آمریکایی «هارپر کالینز» منتشر کرده و در این کتاب به شماری از عملیات‌هایی که موساد در کشورهای عربی انجام داده ازجمله عملیات خونین «پادشاه سایه‌ها» اشاره شده است. در فصل اول این کتاب، این عملیات توسط روسای موساد برای ترور فلسطینی‌ها از طریق قربانی کردن مبارزان فلسطینی یا به خدمت گرفتن آنها برای رژیم صهیونیستی در اراضی فلسطینی صورت گرفته است. ازجمله شخصیت‌های موساد که در این کتاب یاد شده، «مثیر داگان» است که در غزه با جمعی از سربازان اسرائیلی در لباس فلسطینی فعالیت و ادعا کرد که این افراد جزء افراد جبهه ملی آزادی‌بخش فلسطین در اردوگاه آوارگان لبنان بوده‌اند. این افراد به بهانه مصاحبه، نشستی را با فرماندهان فلسطینی در بیت‌لحیا ترتیب دادند و سپس همه رهبران جبهه ملی در بیت‌لحیا را به گلوله بستند. همچنین بنا به نوشته این کتاب، موساد توانست تحت رهبری داگان چند عملیات بزرگ ازجمله ترور عماد مغنیه در دمشق، حمله به راکتورهای هسته‌ای سوریه و پاکسازی رهبران فلسطینی در لبنان و سوریه را انجام دهد. در فصل دوم این کتاب تحت عنوان «جنازه‌ها در تهران» به مهم‌ترین تورهایی که موساد در ایران انجام داده به‌ویژه ترور دانشمندان هسته‌ای که در غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات هسته‌ای ایران نقش داشتند، اشاره شده است. از دیگر ترورهای انجام شده توسط موساد در ایران که در این کتاب به آنها اشاره شده ترور افسران ایرانی و نیز عملیات آموزش جاسوسان و فعالیت آنها در ایران است. در فصل سوم کتاب تحت عنوان «اعدام در بغداد» درباره داستان‌های عملیات موساد و جاسوسان و افسران این سازمان جاسوسی و نیز نحوه قانع کردن شماری از مردم عراق برای خدمت به نفع موساد گفته شده است. در فصل هشتم کتاب تحت عنوان «مردان مادر دمشق» به جاسوسان اسرائیلی در دمشق ازجمله ایلی کوهن، معروف به کمال امین ثابت اشاره شده که در فعالیت‌های محرمانه اسرائیل ازجمله در رسوایی لاوون در سال ۱۹۵۴ که هدفش ضربه زدن به اهداف مصری، آمریکایی و انگلیسی بود، شرکت داشت. درخصوص شهادت عماد مغنیه دو نویسنده ماجرای شهادت را تعریف کرده و می‌گویند از نظر اسرائیل و آمریکا عماد مغنیه خطری بزرگ به شمار می‌رفت که هیچ‌کس نمی‌توانست وی را پیگیری کند؛ چراکه وی پس از هر عملیاتی ناپدید می‌شد و از هر گونه گفت‌وگوی تلویزیونی یا ظاهر شدن در مقابل دوربین‌ها خودداری می‌کرد. این باعث شده بود سازمان‌های اطلاعاتی غرب همواره فعالیت‌های وی را پیگیری کنند و تنها چیزی که از مغنیه در دست داشتند این بود که وی در سال ۱۹۶۲ در روسایری در جنوب لبنان و در خانواده‌ای شیعه متولد شده است. زمانی که موساد متوجه شد مغنیه در دمشق به سر می‌برد فعالیت‌های گسترده‌ای را برای دستیابی به جزئیات از منابع مختلف ازجمله سازمان‌های جاسوسی کشورهای بیگانه آغاز کرد.

